

گفت و گوی «شهروند» با خانواده مفقودان حادثه بر خورد دو کشتی در دلتای بانگ تسه

در انتظار مردان دریا

به دلیل وجود لکه نفتی ۱۰۰۰متری اطراف کشتی، عملیات اطفای حریق با کندی صورت می گیرد



امیرحسین خواجوی - سیمیا فراهانی |

نفتکش ایرانی در دریای طوفانی چین می سوزد. همچنان از سرنوشت ۳۰ ایرانی و ۲ بنگلادشی خبری نیست. پس از گذشت دو روز از حادثه تنها یک جسد سوخته پیدا شد؛ آن هم با لباس ویژه نجات در دریا که نشان می دهد سرنشینان این کشتی نفتکش فرصت کافی برای پوشیدن لباس نجات نداشته اند. دیگر هیچ اثر یا نشانه ای از این ۳۱ سرنشین و پرسنل این کشتی در دست نیست. این در حالی است که نیروهای امدادی با تمام توان و استفاده از مجهزترین امکانات کار اطفای حریق را ادامه می دهند تا هر چه زودتر این آتش وسیع را خاموش کنند. این گونه شاید خبری شود از ناپدیدشدگان این نفتکش ایرانی؛ حالا تعدادی از خانواده های ۳۰ ایرانی هم به شرکت ملی نفتکش در تهران آمده اند و منتظر خبری از مردان دریا هستند. با این که نگرانی در چهره های تک تکشان موج می زند، اما سعی می کنند به خودشان مسلط باشند و هرگز نمی خواهند امیدشان را از دست بدهند. با این که ابعاد حادثه خیلی وسیع است، اما در همه جملاتشان توکل بر خدا و امید به نجات وجود دارد. سعی می کنند اشک نریزند، اما با شنیدن نام عزیزانشان بغض می کنند.

چشم انتظار پسر

میلاد آروی یکی از خدمه های نفتکش ایرانی است. پسر ۳۱ ساله ای که به عنوان روغن کاری موتورخانه نفتکش ایرانی کار می کند. پدرش مسعود آروی که یکی از کارمندان شرکت ملی نفتکش است در یکی از اتاق های شرکت ملی نفتکش نشسته و منتظر یک خبر امیدبخش است. پدری که خودش هم چندین سال دریاوردی کرده و حالا کارمند شرکت ملی نفتکش است.

روز یکشنبه صبح بود که خبر تلخ و نگران کننده را شنید. درست لحظه ای که می خواست مثل هر روز سرکارش برود. وقتی تلفنی خبر حادثه را به او دادند، باور نکرد. تصور می کرد پرسرش در این نفتکش حضور نداشته است؛ اما وقتی وارد محل کارش شد و چهره نگران همکاران و نگاه های معنی دار آنها را دید، خردار شد. او در این باره به خبرنگار «شهروند» چنین می گوید: «من خودم نزدیک به ۲۹ سال است که در شرکت ملی نفتکش کار می کنم. مسافرانی که اصالتاً آبادانی هستیم. سال ۶۰ بود که وقتی جنگ شد از آبادان به اصفهان نقل مکان کردیم. میلاد در اصفهان به دنیا آمد. حدوداً ۵ سالگی می شد که به استخدام شرکت ملی نفتکش درآمد. در قسمت روغن کاری موتورخانه؛ روز ۲۵ آذر از عسلویه حرکت کرد. در جریان سفرش بودم. یکشنبه صبح بود، می خواستم به محل کارم بیایم. پسر خواهرم در قسمت مدیریت بحران سازمان بنادر و کشتیرانی کار می کند. در راه بودم که او تماس گرفت. گفت شنیدید چه اتفاقی افتاده. وقتی ماجرا را تعریف کرد، گفتم نه میلاد و همکارانش تا الان به کره رسیده و بارشان را خالی کرده اند و تورا به برگشت هستند. باورم نمی شد. گفتم قطعاً این نفتکش با نفتکشی که پسرم با آن رفته است و نام قبلی اش سپید بود، فرق می کند. در راه باز هم یکی دو نفر دیگر تماس گرفتند و من هم همین حرف ها را به آنها زدم؛ اما وقتی رسیدم به اداره و چهره همکارانم را دیدم، دلم ریخت. متوجه شدم که اتفاق بدی افتاده است؛ در نهایت هم به من گفتند همان نفتکش سپید برایش حادثه رخ داده و نام پسر هم در لیست ناپدیدشدگان است.»

او ادامه می دهد: «من خودم چون سال ها روی آب کار می کردم، شرایط را درک می کنم و می دانم که می توان برای نجات آمیدی داشت. برای همین توکلم به خداست. میلاد چهار سال است که ازدواج کرده است. ساکن شاهین شهر اصفهان است و همسرش دو ماهه باردار است. من خودم موضوع را به عروسم اطلاع دادم. او خیلی بی تاب می کند؛ اما من آنها را آرام می کنم. منتظر خبر خوب هستم. به جز میلاد، یک پسر دیگر به نام رضا دارم. رضا هم به عنوان افسر در کشتی نفتکش کار می کند. او بورسیه شرکت ملی نفتکش ها شده بود و در دانشگاه علوم دریایی چابهار تحصیل کرده است.

رضاهم به هند رفته بود و الان در راه برگشت است. به او هم خبر داده ایم. یک پسر دیگر هم دارم که از رضا و میلاد کوچکتر است. رضا و میلاد به خاطر این که کار مرا دیده بودند، علاقه مند شده بودند. برای همین این شغل را انتخاب کردند. میلاد پیش از این سفر به ترکیه رفته بود. او خیلی به کارش علاقه داشت و خیلی حرف های بود. برای همین منتظرم تا خبر امیدبخشی از میلاد و همکارانش بشنوم. سعی می کنم امیدم را از دست ندهم.»

مسعود آروی در ادامه به یکی دیگر از سرنشینان نفتکش ایرانی اشاره می کند و می گوید: «غنی سامری هم از همکاران و دوستان قدیمی من است. او سرملوان است. ۵۰ سال دارد و در کرج زندگی می کند. من پیگیر او هم هستم؛ چرا که از دوستان صمیمی و قدیمی ام است و امیدوارم که اتفاقی برایش نیفتاده باشد.»

امید به بازگشت برادر

محمد ابولی قاسم آبادی برادر احسان است. احسان به عنوان افسر دوم این نفتکش راهی سفر شد. مرد ۳۷ ساله ای که ۱۸ سالگی می شود مرد دریا است. محمد که حالا او نیز در شرکت ملی نفتکش پیگیر خبری از برادرش است، در این باره به «شهروند» می گوید: «برادرم دانشجو بود و در دانشگاه علوم و فنون دریایی چابهار تحصیل کرد. در همان دوران دانشجویی، استخدام شرکت ملی نفتکش شد. من خودم مهندس برق هستم.



جزئیات امداد رسانی

عملیات امداد رسانی کند پیش می رود. یک لکه نفتی ۱۰۰۰متری اطراف کشتی را فرا گرفته است و کشتی های امداد رسان نمی توانند برای اطفای حریق به آن نزدیک شوند. سرکنسول ایران در شانگهای با اعلام این خبر گفت: «ساعت ۸ عصر روز شنبه در شرایط جوی نامساعد و تاریکی هوا و مه شدید این حادثه اتفاق افتاده و روند بررسی و علت یابی اکنون در حال بررسی است. کشتی ای که با نفتکش ایرانی اصابت کرده است، به یکی از جزایر نزدیک به شانگهای هدایت خواهد شد تا مورد بررسی قرار بگیرد تا شاید بتوان از شواهد و شاهدان زنده، اطلاعات بیشتری کسب کنیم.»

اما حالا همه کشتی های امداد رسان در صحنه حضور دارند و منتظر شرایط مساعد برای انجام عملیات اطفای حریق هستند. لازمه انجام عملیات اطفای حریق آن است که کشتی های امداد رسان بتوانند به فاصله

زمانی که برادرم داشت انتخاب رفته می کرد، من بشدت مخالفت می کردم. می دانستم که مرتب باید روی دریا باشد و به سفر برود. برای همین به او گفتم که یا در رشته برق یا عمران درس بخوان؛ اما قبول نکرد. می گفت این کار را دوست دارم. سال ۷۸ بود که در دانشگاه بورسیه شد. به عنوان افسر دوم مشغول به کار شد. درواقع بخشی از ناوبری نفتکش و اقدامات پزشکی بر عهده افسر دوم است. برادرم ۱۸ سال است که تهرانی زندگی می کند. ما اصالتاً بومی هستیم. برادرم دو سالگی می شود که ازدواج کرده است. او مرتب به دریا و سفر می رفت. سه ماه روی آب و دو ماه روی خشکی می ماند. سال ۲۰۰۴ بود که به یک سفر در لیسبون پرتغال رفته بود. احسان وقتی از آن سفر برگشت با آب و تاب ماجرای یک تصادف ترساناک را برایش تعریف کرد. گویا نفتکش آنها با یک قایق باری تصادف کرده بود.

زیاد شدید نبود؛ اما همه ما را ترساند. آنجا باز هم به او گفتم که به دنبال کار دیگری باشد، اما قبول نکرد. قبل از این سفر هم دو سفر به هند داشت. روز ۲۵ آذر بود که از عسلویه حرکت کردند. برادرم با پرواز به بوشهر رفت و از آنجا با قایق به خارک رفت و حرکت کردند. او دوست صمیمی کاپیتان عروجی بود. کاپیتان عروجی را همه می شناختند. بین همه همکاران خوش نام بود. یکشنبه صبح بود که عمویم با من تماس

گرفت و گفت که شبکه خبر زیرنویس کرده و اطلاع داده که چنین حادثه ای اتفاق افتاده است. من هم بشدت ترسیدم. تماس گرفتم و وقتی پیگیر شدم، متوجه شدم که همان نفتکشی است که برادرم داخل آن بوده؛ الان هم منتظریم. دعا کنید خبر خوبی برسد. این اخبار غیرموقع و شایعات واقعا روح و روان ما خانواده ها را تحت تأثیر قرار می دهد. برای همین این جا نشستام

تا از طریق همین شرکت ملی نفتکش اخبار را دنبال کنم.»

اشک های مادر

مهدی سادگی هم یکی دیگر از خدمه های نفتکش ایرانی است. مادرش با چشمانی اشکبار به شرکت ملی نفتکش آمده و چشم انتظار پسرش است. با عروسی در خانه تنها بود که این خبر را شنید. وقتی نام پسرش را

عکس: سیمیا فراهانی/شهروند



موسسه خیریه کهریزک
مرکز نگهداری، درمان
و آموزش معلولین و سالمندان
غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی

در ایوان این خانه جزمهربانی نمی بارد.

www.kahrizak.com

kahrizakcharity

کمک های مردمی: ۴۲۱۱۴

روابط عمومی: ۸۸۳۱۰۶۸۸

۴۲۱۱۴ *۷۸۰*

۱۰۰۰۱ *۷۳۳*

۱۵۰متری کشتی در حال سوختن برسد که لکه نفتی هم اکنون حدود ۱۰۰۰ متر اطراف کشتی را فرا گرفته است. بنابراین دسترسی به کشتی بسیار دشوار است، با این وجود شرایط باید مساعد شود تا تیم های امدادی بتوانند نزدیک شوند و عملیات اطفای حریق آغاز کنند. سرکنسول ایران در شانگهای در مورد افراد بازمانده و جانباختگان نفتکش ایرانی افزود: «در ساعت ۱۱:۳۰ صبح ما اطلاع دادند که جسدی در ۴ مایلی محل حادثه پیدا شده که بنا به شواهد متعلق به نفتکش ایرانی است. این جسد در حال انتقال به شانگهای برای تشخیص هویت و انجام تشریفات قانونی برای انتقال به ایران است.»

اینها در حالی است که با پیداشدن پیکر یک دریانورد که مجهز به لباس ویژه نجات بوده است احتمال می رود کارکنان کشتی فرصت استفاده از وسایل نجات را داشته اند. مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران